

افق‌ها و چشم‌اندازهای رابطه

ایران و آمریکا

گفت و گو از علیرضا حقیقی

چهارمین بخش از گفت و گو با دکتر هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه راتگرز آمریکا در پی از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

س: یکی از نکاتی که در مباحث مربوط به سیاست خارجی در فضاهای سیاسی نامعقول، نادیده انگاشته می‌شود، یکسان پنداشتن گفتگو در مورد اختلافات موجود و مذاکره برای ایجاد ارتباط می‌باشد. دو کشور می‌توانند در مورد مسایل مورد اختلاف در کشور ثالثی گفتگو کنند بدون این که با هم رابطه سیاسی داشته باشند. این گفتگوها می‌تواند حتی تا مدت‌های طولانی نیز به درازا بیانجامد، ولی به نظر می‌رسد در ایران انجام چنین گفتگوهایی را نیز به منزله برقراری روابط سیاسی فرض می‌کنند. نظر شما در مورد چنین تمایز و تفکیکی چیست و آیا امکان عملی چنین امری با توجه به میزان وسیع سوء تفاهمات و بی‌اعتمادی میان ایران و آمریکا وجود دارد؟

ج: البته میان گفت و گو و مذاکره تفاوت وجود دارد. در عین حال گفت و گو مرحله پیش از مذاکره برای ایجاد ارتباط است. هدف مرحله گفت و گو آماده‌سازی است و این آماده‌سازی جنبه‌های نظری و روشی دارد. مثلاً در این مرحله، کشورها می‌خواهند دیدگاه‌های یکدیگر را بهتر درک کنند و مواضع یکدیگر را بفهمند؛ معمولاً در پی ایجاد حسن نیت و تفاهم هستند و می‌خواهند مسیر مذاکره را تعیین کنند؛ می‌خواهند حل مسایل فی‌مابین را در چارچوب مراحل مختلف، اولویت بندی کنند؛ و علاقه مند هستند بفهمند که اصلاً مشکل واقعی چیست تا از جنبه‌های شعاری به جنبه‌های عملی اختلافات برسند.

در عین حال، کشورها در این مرحله به ابزارهای مورد نیاز برای حل مسأله می‌اندیشند. به عنوان مثال، اگر مشکل تحریم وجود دارد، برای حل آن نیز ابزاری وجود دارد. پس مرحله گفتگو دارای وظایف سنگینی است در جهت آماده‌سازی محیط.

لیکن اگر کشورها در مرحله گفت و گو باقی بمانند، نتیجه نهایی مطلوب نخواهد بود؛ زیرا گفت و گو باید هدف غائی داشته باشد و به سوی آن هدف گام بردارد. این گامها می‌بایست در چارچوبی مشخص برنامه ریزی شده باشند.

از سوی دیگر، هدف نهایی مذاکره، ایجاد حسن نیت نیست بلکه هدف نهایی آن حل مشکلات است. برای این منظور، هر دو طرف باید آمادگی داشته باشند. اگر کشوری بدون آمادگی پشت میز مذاکره بنشیند، نمی‌تواند کاری از پیش ببرد؛ چون مذاکره، خود، دانشی تخصصی و پیچیده است.

اما این که آیا می‌شود گفت و گو و مذاکره را از هم باز شناخت یا نه، باید بگوییم که بله، می‌شود، به شرطی که دانش لازم برای درک این تمایز وجود داشته باشد؛ بدین معنی که اگر طرفین این درک را داشته باشند که گفت و گو برای کاهش تشنج و سوء تفاهم است در حالی که مذاکره جهت ایجاد رابطه گام برمی‌دارد، آن وقت می‌شود این دورا از هم باز شناخت. مشخص تر بگویم: موضوع مذاکره در چارچوب حل مخاصمه تعیین می‌گردد، در صورتی که گفت و گو برای این است که طرفین به مرحله‌ای برسند که بتوانند موضوع مذاکره را تعیین کنند. برای رسیدن به این مرحله باید فهمید که اختلاف ریشه در چه دارد: آیا اختلاف، نتیجه تعارض منافع و علائق است؟ آیا اختلاف، ساختاری است (مانند رابطه نابرابر قدرت)؟ آیا اختلاف، ریشه در احساسات، عدم درک یکدیگر و سوء تعبیر دارد؟ آیا منشأ اختلاف، تعارض ارزشها است؟ آیا اختلاف، نتیجه تفاوت اطلاعات موجود طرفین است (مثلاً طرفین اطلاع درستی در مورد برخی جنبه‌های موضوع مورد مخاصمه ندارند) هر کدام از این اختلافها، راه حل متفاوت ولی مشخصی را می‌طلبد که به هنگام مذاکره باید مدنظر قرار بگیرد. اجازه بدهید یک موضوع را دوباره تکرار بکنم. اگر ایران بخواهد بدون هدف مذاکره برای حل نهایی مسایل فی‌مابین، وارد گفتگو با آمریکا شود و در عین حال سعی کند این گفتگوها به درازا بکشد، سودی عاید خود نمی‌کند. مثلاً من معتقد هستم که گفتگوهای فرهنگی فعلی بین دو کشور، اگر در ادامه آن مشکلات بین دو کشور حل نگردند، به ضرر ایران تمام خواهد شد. یک جنبه کوچک این ضرر فرار هر چه بیشتر مغزها به علت باز شدن وسیع درهای آمریکا و اروپا خواهد بود. جنبه دیگر ضرر ایران، افزایش نابرابر اطلاعات به سود آمریکا خواهد بود و بالاخره، گفت و گوی طولانی و بدون هدف نهایی، باعث کسالت طرفین شده و حتی ممکن است فرصت بیشتری برای خرابکاری به نیروهای مخالف گفت و گو بدهد.

س: یکی از موانع اساسی در برقراری شرایط مناسب برای گفتگو پیرامون اختلافات فی‌مابین، به نحوه نگاه و برداشت آمریکاییها برمی‌گردد. آنها همواره خواستار گفتگو در مورد مسایلی هستند که از دیدگاه آنها منافع آمریکا را مورد تهدید قرار می‌دهد، اما ظاهراً از دید آنها، اقدامات آنها هیچگاه منافع ما را به خطر نمی‌اندازد. در نتیجه از همان ابتدا یک موضع نابرابر با ایران اتخاذ می‌کنند. به نظر شما آیا فقط از جنبه‌های عملی و آشکار و از طریق قدرت و زور می‌توان موضع آنها را تعدیل کرد و یا با به کارگیری دیپلماسی سنجیده نیز امکان دستیابی به تعدیل موضع آنها وجود دارد؟

ج: طبیعی است که وقتی کشوری با کشور دیگر اختلاف دارد فقط از دید منافع خودش به مشکل و راه حل می‌اندیشد. بدیهی است که ایران هم نمی‌تواند از این امر مستثناً باشد. در عین حال هر دو کشور باید بکوشند تا مواضع افراطی خود را تا حدی تخفیف دهند تا بتوانند در جایی با طرف مقابل کنار بیایند. ایران باید سعی کند موضع افراطی و «بیشینه خواه» آمریکا را به موضع «کمینه پذیر» تبدیل کند. ایران می‌تواند از ابزارهای مختلفی جهت حصول به این امر استفاده کند؛ مثلاً می‌تواند از طرق قهرآمیز به آمریکا نشان دهد که قادر به ایجاد دردسر برای آمریکا است و آمریکا را وادار به کوتاه آمدن بکند. اما مسیر دیگر از طریق منطق است که من ترجیح می‌دهم. ایران می‌تواند به طور منطقی به آمریکا نشان دهد که موضع بیشینه خواهی اش ره به جایی نخواهد برد، اما اگر از موضع «کمینه پذیر» وارد گود شود قادر به تأمین آندسته از منافعش که با ایران مشترک است خواهد بود.

موضوع دیگر، ایجاد انگیزه است. ایران می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، انگیزه‌هایی را در آمریکا بپروراند که آن کشور را از موضع تندخود باز دارد. این انگیزه‌ها یا ابزارهای تشویق می‌توانند اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی باشند. البته دو مورد اول، در ارتباط با آمریکا بیشتر کار کرد خواهند داشت. ابزارهای دیپلماتیک نیز می‌توانند کار ساز باشند. مثلاً کشورهایی که دوست و مورد اعتماد طرفین هستند و یا سازمانهای بین‌المللی می‌توانند به عنوان واسطه و میانجی وارد صحنه شوند و سعی کنند منطق علائق مشترک را در طرفین به وجود آورند. بدیهی است که دیپلماسی معروف به مسیر دو (TRACK+TWO)، یعنی دیپلماسی غیر دولتی، می‌تواند کمک بکند. اما به نظر من مهمترین وسیله تعدیل موضع بیشینه خواهی آمریکا ایجاد فشارهای مردمی و دمکراتیک از پایین است. لکن برای ایجاد این فشار باید گفتگوها و مذاکرات فی‌مابین از شفافیت کامل برخوردار باشند. یعنی دو ملت ایران و آمریکا دقیقاً در جریان خواسته‌های طرفین بوده و قدرت نظارت داشته باشند. در چنین صورتی دولت آمریکا به سادگی نخواهد توانست موضع غیر اصولی و بیشینه خواهی خودش را به ایران تحمیل بکند. تکرار می‌کنم، اصل شفافیت، اینجا بسیار مهم خواهد بود.

(ادامه دارد)